

در مسیحیت خدا خالق همه چیز است حتی مادرش !

آقای اسکار سالوادور نحوه آشنایی شما با اسلام چگونه بود؟

وقتی که در دانشگاه بودم ، چند درس مشترک با دانشجویان رشته مردم شناسی داشتیم . یک از آنها ، درسی بود که راجع به ادیان بحث می کرد ، همان جا بود که من با ادیان مختلف آشنا شدم و همانجا بود که مجبور شدم با دین خودم نیز آشنا شوم . چون مسیحیت یک دین ارثی بود مانند لباسی که مردم آنجا از اسپانیا به ارث برند یا همین لهجه ای که الان باهش صحبت می کنم . من مسیحی بودم و دعا می خواندم ولی هیچ چیز راجع به مسیحیت نمی دانستم . چند شک در ذهن من پیدا شد . من پیش یک کشیش رفتم و از ایشان پرسیدم : ببینید پدر ، چگونه است که ما مسیحیان می گوئیم که خداوند بزرگ ، خالق همه موجودات است اما در دعا می خوانیم Dios de Madre María Santa یعنی حضرت مریم (س) مادر خداوند است ! ایشان گفت شما این را درک نمی کنید زیرا یکی از راز های دین مسیحیت است !

به نظر شما آیا حق نداریم از عقاید دین خودمان متوجه شویم ؟ پیش کس دیگری رفتم که ضعیف تر بود . ایشان گفت که حضرت عیسی (ع) هم خدا و هم پسر خدا است از طرفی حضرت مریم (س) مادر حضرت عیسی (ع) است ، پس مادر خداوند است .

بنابراین دینی که برای من منطقی نداشت را کنار گذاشتم تا اینکه ترجمه سوره اخلاص را خواندم و همان چیزی را پیدا کردم که می خواستم ، یعنی خداوندی که نه پسر دارد و نه پدر ! بلکه تنها یکی است .

من سه سال در حال تحقیق بودم تا اینکه ایمان آوردم و مسلمان شدم.

آقای مصطفی سالوادور ، اولین کسی که از تصمیم شما با خبر شد که بود ؟

به هیچ کس نگفتم . اما وقتی که می خواستم مسلمان شوم به یک مشکل خوردم . و آن اینکه هر جا رفتم یک مسلمان پیدا نکردم ! چه برسد به مرکز و چیز شبیه به این.

به همین خاطر من در اولین تعطیلات به کشورهای همسایه رفتم که با مسلمانان آشنا شوم . به گواتمالا ، هندوراس ، کاستاریکا ، نیکاراگوئه و مخصوصاً پاناما که مسلمان زیاد دارد رفتم و بلاخره در روز جمعه در گواتمالا شاهد آن لا إله إلا الله و شاهد أن محمد رسول الله گفتم و الحمد لله اولین مسلمان سالوادور شدم .

آقای مصطفی سالوادور ، اطرافیان شما چه برخوردی داشتند ؟

شانزده سال پیش بود . در آن زمان من خانواده خودم را داشتم چون چهار سال قبلش متاهل شده بودم . به همسر گفتم مسلمان شدم . ایشان از علاقه من به اسلام و

سفرهایم خبر داشت . در آن زمان برخوردش خوب بود و اگر امروز از ایشان بپرسید , خواهد گفت اسلام شوهر من را عوض کرده . چون من به خاطر کار خوب و درآمد بالا , غرور زیادی داشتم و همیشه به دیگران از بالا نگاه می کردم . وقتی اسلام آوردم خیلی عوض شدم.